

حکیم : م حکما ، دانشمند

نصیب : بهره ، قسمت ، اقبال

آرمان : امید ، آرزو

منطقی : آن چه از روی تعقل باشد

اصول : ج اصل ، ریشه ، بنیاد

فراز : بلندی

نشیب : سرازیری ، زمین پست

مهارت : ماهر بودن در کاری ، استادی

آداب : ج ادب ، رسم ها، روش های پسندیده ، عادت ها

آراسته : زیبا ، مرتب ، مزین ، آماده ، زینت داده شده

مشقت : سختی

استعداد : آمادگی ، توانایی ، قابلیت

سرشار : پر ، مملو

بغض : گرفتگی گلو از غصه

تصمیم : اراده ، آهنگ کاری کردن

خلاق : آفریننده ، نوآور

اعتبار : آبرو ، ارزش ، عبرت گرفتن

چیرگی : تسلط ، غلبه

توکل : کار خود را به خدا واگذار کردن

تصور : اندیشیدن ، چیزی را در ذهن آوردن

افسوس : دریغ ، حسرت

رویا : خواب

عیان : آشکار

خیال : وهم ، گمان

فغان : آه ، ناله ، فریاد ، بانگ

سنجیده : اندازه گرفته ، تعیین ارزش

تدبیر : پایان کار را نگرستن ، در امری اندیشیدن